

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۶۳،  
پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۲۰۴-۱۶۵

### مکی و مدنی از مفهوم تا اصطلاح\*

دکترشادی نفیسی<sup>۱</sup>

استادیار دانشکده علوم حدیث

Email: naficy\_z@yahoo.com

مهديه دهقانی قناعتستانی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

Email: mdgh.2011@gmail.com

### چکیده

به هنگام پژوهش درباره آیات و سور مکی و مدنی، اطلاع از ملاک و تعریف داوران مهم و کارساز است. اولین بار زرکشی ادعای اختلاف در تعریف مکی و مدنی را مطرح کرد و خود از میان سه تعریف زمان، مکان و مخاطب محور، تعریف زمان محور را برگزید.

بررسی نشان می‌دهد که صحابه و تابعین که به آراءشان در شناخت مکی و مدنی استناد می‌شود، به هر سه ملاک توجه داشته‌اند، ولی آنها در داوری ملاک زمان را ترجیح داده‌اند. در تعاریف برجامانده از قرآن پژوهان متقدم تنها تعریف بر اساس زمان و در داوری‌های آنها گاه برتری ملاک مکان و غالباً برتری ملاک زمان دیده می‌شود. قرآن پژوهان متأخر تعریف محتوا محور را بر تعاریف افزوده‌اند و غالباً تعریف زمان محور را ترجیح داده‌اند و در مقام داوری شمار قابل توجهی بر اساس مکان ولی غالباً بر اساس زمان داوری کرده‌اند.

**کلید واژه‌ها:** اصطلاح مکی- مدنی، آیات مکی، آیات مدنی.

---

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۱۰/۲۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۲/۲۸.  
نویننده مسئول.

## مقدمه

گسترش تلاش برای فهمیدن نکات جدید از قرآن، با استناد به مکی یا مدنی بودن آیات، تحولی انکارناپذیر در مباحث قرآنی است.

سخن از مکی یا مدنی بودن آیات که در واقع قالبی برای توجه به زمان وقوع حوادث و شکل‌گیری گفت و شنودها است، از یک سو با کارکردی فزاینده در تفسیر و اندیشه مسلمانان ظاهر شده است؛ و از سوی دیگر پایه مباحث قرآنی مستشرقین را ساخته و بر تحقیقات قرآنی آنان سایه افکنده است؛ و مطالعات قرآن پژوهی مستشرقین در سده اخیر سیلی عظیم از سخنان و برداشت‌های جدید با استناد به مکی یا مدنی بودن آیات را به حوزه اندیشه مسلمانان وارد کرده است.

بی‌تردید توجه به مکی یا مدنی بودن آیات در هنگامه فهم و تفسیر آیات پدیده‌ای نو ظهور نزد مسلمانان نیست و حداقل بر اساس اسناد روایی، تابعین با اثرگذاری شناخت مکی و مدنی در فهم آیات آشنا بوده‌اند و با توجه به مکی یا مدنی بودن آیات اقوال سره را از ناسره جدا می‌کرده‌اند؛ اما پژوهش‌های جدید موجب شده که این بحث کهن اسلامی با کارکردهای جدید توجه اندیشمندان را برانگیزد و به ابزاری نو و کارآمد در فهم نکات جدید قرآنی و یا نقد آرای مستشرقین و حتی نقد باورهای صاحب نظران مسلمان تبدیل شود.

۱. ظاهراً سابقه استفاده از مکی و مدنی در راستای فهم صحیح آیات به زمان تابعین بر می‌گردد. روایت شده از سعید بن جبیر (۹۵ ق) سوال شد که آیا منظور از عبارت «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در آیه ۴۳ سوره رعد، عبد الله بن سلام است و او در پاسخ گفت: نه، چطور ممکن است او باشد با اینکه این سوره در مکه نازل شده است؟ (مجاهد بن جبر، ۳۳/۱؛ نحاس، ۵۰۷/۳؛ ثعلبی، ۳۰۲/۵؛ طبرسی، ۴۱۹/۶)

این شکل از استناد به مکی و مدنی در تفسیر آیه مذکور به عکرمه (۱۰۵ ه.ق) نیز منسوب شده است (نحاس، ۵۰۷/۳). بدین ترتیب سعید بن جبیر و عکرمه که از جمله تابعین هستند برای نشان دادن نادرستی سبب نزول و مصداق ادعا شده برای آیه به مکی بودن آیه استناد می‌کنند.

حال که به مبحث علوم قرآنی مکی و مدنی با سابقه‌ای دیرین و با پایه‌هایی از سخنان صحابه و تابعین و گزارش‌های آن‌ها از کم و کیف نزول وحی، از منظری نوین و با کارکردهای بدیع در سده اخیر توجه شده است، اقتضا می‌کند برای بستن راه شبهه و جلوگیری از در افتادن به کج فهمی، مبانی بحث را مستحکم نموده و باز نگری دقیق در پایه‌های بحث داشته باشیم و دقیقاً مشخص کنیم آیا پیشینیانی که داوری‌های آنان در این باره مستند مسلمانان و مستشرقین قرار می‌گیرد نیز برداشتی مشابه متأخرین از دو واژه مکی و مدنی داشته‌اند؟ صحابه و مفسرین متقدم بر چه اساس آیه یا سوره‌ای را مکی یا مدنی نامیده‌اند و آیا ذهنیت آن‌ها در این باره با تعریفی که ما امروز از این موضوع داریم یکسان بوده است؟

به عبارت دیگر قضاوت‌های متقدمین در باب «مکی یا مدنی» بودن آیات و یا سور قرآن بر اساس کدام پیش‌فرض ذهنی انجام گرفته است؟ و منظور آن‌ها از «مکی یا مدنی» بودن آیات و سور قرآن چیست؟

از تعریف اصطلاح «مکی و مدنی» به شکلی متداول و سنتی در کتب علوم قرآنی در آغاز بحث مکی و مدنی سخن به میان آمده است. در واقع صاحبان این کتب لازم دانسته‌اند که پیش از داوری درباره مکی و مدنی بودن هر یک از آیات و سور قرآن «مکی و مدنی» را به شکل یک اصطلاح تعریف کنند. آن‌ها غالباً تعاریف گوناگون را ارائه کرده و نقاط ضعف و قوت هر یک از آن‌ها را بیان کرده‌اند و نهایتاً یکی از آن‌ها را برگزیده‌اند. اما آن‌ها به این نکته که جدا از گزینش خود آن‌ها، تصور و تعریف پیشینیان آن‌ها که سخن و داوری آن‌ها نقل می‌شود و مبنا قرار می‌گیرد، چه بوده است نپرداخته‌اند.

ما در این مقاله ابتدا با بیان تعاریف گوناگون از مکی و مدنی، اختلافات ادعا شده در تعریف مکی و مدنی یادآور می‌شویم و پس از آن با نگاهی تاریخی حقیقت مراد از مکی و مدنی را از زمان صحابه و تابعین تا کنون پی می‌جوئیم.

### اختلاف در تعریف مکی و مدنی

نخستین بار زرکشی (۷۹۴ ق) در کتاب *البرهان*، به وجود اختلاف نظر در تعریف اصطلاح مکی و مدنی اشاره کرد. او وجود سه تعریف در این باره را گزارش کرد (زرکشی، ۱۸۷/۱).

بر این پایه، چنین به نظر می‌رسد که در روزگار زرکشی و پیش از او، در بین عالمان، توافقی بر سر تعریف اصطلاح مکی و مدنی وجود نداشته و هر کس بر اساس معیاری خاص، آیه یا سوره‌ای را مکی یا مدنی خوانده است.

ما نخست به تعاریف سه‌گانه موجود در کتاب زرکشی می‌پردازیم، تا از این رهگذر دامنه اختلاف ادعا شده در تعریف مکی و مدنی نزد عالمان معاصر و پیش از زرکشی روشن شود و سپس از تعاریف برجای مانده از عالمان قبل و بعد از زرکشی به تفکیک سخن خواهیم گفت.

### تعاریف ارائه شده در کتاب *البرهان*

زرکشی فصل هشتم از کتاب *البرهان* را با عنوان «معرفة المکی والمدنی و ما نزل بمکة والمدینة و ترتیب ذلك» به شناخت آیات مکی از مدنی اختصاص داده است. زرکشی در آغاز این فصل می‌گوید:

بدان! مردم را در این باره، سه اصطلاح است؛ نخست: آیاتی که در مکه نازل شده، مکی و آیاتی که در مدینه نازل شده، مدنی است. دوم: آیاتی که پیش از هجرت نازل شده، مکی است، هر چند که در مدینه نازل شده باشد و آیاتی که پس از هجرت نازل شده، مدنی است هر چند که در مکه نازل شده باشد. نظر مشهور نیز همین است. سوم: آیاتی که خطاب به اهل مکه است، مکی و آیاتی که خطاب به اهل مدینه است، مدنی است (همان).

زرکشی بعد از آن، سخن ابن مسعود - که بر اساس آن عبارات «یا أَيُّهَا النَّاسُ» در آیات مکی و عبارت‌های «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در آیات مدنی وجود دارند - را همخوان با تعریف سوم معرفی می‌کند<sup>۱</sup>.

### تعریف مکی و مدنی قبل از زرکشی

با آنکه بیشتر داوری‌ها در تعیین مصداق آیات و سور مکی و مدنی، به پیش از زرکشی (۷۹۴ ه. ق) بازمی‌گردد، اما از این دوران تعاریف گوناگون و متنوع - آن گونه که زرکشی از اختلاف و چندگانگی خبر می‌دهد - به دست ما نرسیده است؛ چه از سوی کسانی که این داوری‌ها از آنان نقل شده و چه کسانی که تنها ناقل داوری‌ها هستند. ما در اینجا کلیه منقولات رسیده از این دوران را در ذیل دو عنوان بیان و بررسی می‌کنیم:

الف) منقولات صحابه و تابعین؛

ب) سخنان مفسران و قرآن‌پژوهان متقدم.

### الف) منقولات صحابه و تابعین

صحابه و تابعین گاه در هنگام سخن از اسباب نزول یا نسخ و منسوخ، به مکی یا مدنی بودن آیات اشاره کرده‌اند و یا در هنگام پرداختن به ترتیب نزول سور و یا مشخصاً معرفی سور و آیات مکی و مدنی سیاهه‌ای از سور مکی و مدنی به دست داده‌اند. بدین ترتیب در روایات متعدد و متنوعی از صحابه و تابعین به مکی و یا مدنی بودن آیات یا سور اشاره شده است. پس از آنان، از دیر باز، بسیاری در شناخت مکی و مدنی به سخن آنان نگریسته

۱. در تعریف دوم زرکشی آیاتی را که «پیش از هجرت در مدینه» نازل شده‌اند را مکی معرفی می‌کند. اما سیره‌نگاران، از آغاز رسالت رسول خدا (ص) تا زمان هجرت به مدینه، هیچ سفری برای آن حضرت به مدینه ثبت نکرده‌اند؛ از این رو ممکن نیست پیش از هجرت، آیه‌ای بر آن حضرت در «مدینه» نازل شده باشد و در نتیجه عبارت «هرچند که در مدینه نازل شده باشد» درباره آیاتی که پیش از هجرت نازل شده‌اند بی‌معناست. شاید هم منظور زرکشی تأکید بر ملاک نبودن مکان نزول، در تعیین مکی یا مدنی بودن آیات باشد و بدین وسیله خواسته تا به مکی بودن آیاتی که در طائف، بیت‌المقدس و... نازل شده‌اند، اشاره کند.

و به آن اقتدا کرده‌اند. برای مثال باقلانی (۳۳۸ ه. ق ۴۰۳ ه. ق) درباره راه شناخت مکی و مدنی می‌گوید:

در شناخت مکی و مدنی تنها به حافظه صحابه و تابعین مراجعه می‌شود (باقلانی، ۲۳۶/۱).

اما صحابه و تابعین که سخنان در شناخت مکی و مدنی مورد توجه و پذیرش بوده آیا منظور خود را از مکی یا مدنی دانستن آیات و سوره روشن ساخته‌اند؟ و تعریفی از مکی و مدنی به دست داده‌اند؟

مسلماً انتظار نمی‌رود صحابه و یا حتی تابعین چونان متأخرین تعریفی از مکی و مدنی بر زبان آورده باشند؛ چه اینکه زمان آنان اقتضای این گونه سخن گفتن را نداشت. از این رو باید با جستجو در اقوال بر جای مانده از آنان زمینه‌های ذهنی آن‌ها را در باب تعریف مکی و مدنی به دست آورد. اقوال آنان در این باب را در نگاهی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته‌ای که با تعریف مکی و مدنی بر اساس مکان همخوان است؛ دسته‌ای که با تعریف بر اساس مخاطب همخوان است؛ دسته‌ای که با تعریف بر اساس موضوع همخوان است.

#### روایات همخوان با تعریف بر اساس مکان

۱- رسول اکرم [ص] فرمودند: قرآن در سه جایگاه نازل شده است؛ مکه، مدینه و شام (طبرانی، ۱۷۱/۸؛ ابن عساکر، ۱۶۵/۱؛ ابن کثیر، ۵۷/۳؛ هیثمی، ۱۵۷/۷؛ متقی هندی، ۴۸/۲).

این روایت که به شخص پیامبر (ص) منسوب است و تقسیم‌بندی‌ای مکانی برای نزول قرآن ارائه می‌دهد، اشکالاتی دارد؛ اولاً در آن برای منطقه پرآشوب شام فضیلت تراشی شده و آن منطقه همتای دو شهر مقدس مکه و مدینه قرار گرفته است. ثانیاً پیامبر (ص) در طول حیات گهربار خود سفری به شام نداشته‌اند و از این رو آیه‌ای از قرآن را سراغ نداریم که

در شام نازل شده باشد. به اشکال اخیر بدین صورت پاسخ داده شده که منظور از شام، بیت المقدس (ابن عساکر، ۱/۱۶۵) و یا تبوک (همان؛ ابن کثیر، ۵/۹۲) است.<sup>۱</sup> به هر جهت اگر این روایت نبوی را بر ساخته و یا تحریف شده ندانیم و آن را بپذیریم، می‌توانیم آن را نخستین گام در جهت تقسیم سور به مکی و مدنی تلقی کنیم، هرچند - بر اساس این روایت - قسم دیگری از سور به نام سور شامی را نیز باید در کنار سور مکی و مدنی تصور کنیم.

۲- امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: هیچ آیه‌ای از قرآن نازل نشده است مگر آنکه من می‌دانم کجا نازل شده و در چه مورد نازل شده است، در دشت نازل شده و یا در کوه نازل شده است (ابن بابویه، ۳۵۰؛ فتال نيسابوری، ۱۱۶؛ حاکم حسکانی، ۴۶ - ۴۷) سخنی با همین مضمون از ابن مسعود نیز نقل شده است (طبرانی، ۷۳/۹ - ۷۴؛ ذهبی، ۴۷۲/۱).

در این شکل از روایت دو تن از صحابه رسول خدا (ص) از اهمیت دانستن مکان نزول قرآن سخن می‌گویند و مکان نزول قرآن را در خور توجه و دانستن آن را در شایسته ستایش می‌دانند.

#### روایات همخوان با تعریف بر اساس مخاطب

ابن مسعود می‌گوید: هر چه «یا ایها الناس» در قرآن است در مکه نازل شده است و هر چه «یا ایها الذین آمنوا» است در مدینه نازل شده است (دانی، ۱۳۲؛ ابن ابی شیبیه، ۷/۱۸۵؛ سیوطی، الدرالمشور، ۱/۳۳).

۱. ابتدای این روایت در منابع کهن به دو شکل دیگر نیز از رسول خدا (ص) نیز نقل شده است. در یک نقل نزول «سوره» (متقی هندی، ۲/۴۸) و در نقلی دیگر نزول «نبوت» (نعیم بن حماد مروزی، ۶۶) در سه جا معرفی شده است.

این روایت همان روایتی است که زرکشی در ارائه تعریف سوم خود یعنی تعریف بر اساس مخاطب به آن ارجاع داده است (زرکشی، ۱۸۷/۱).

این سخن از زبان کسان دیگری جز ابن مسعود نیز نقل شده است از آن جمله به عروه بن زبیر (مقریزی، ۳۳۹/۴؛ سیوطی، همان جا)، ضحاک (ابن ابی شیبه، ۱۸۵/۷؛ مقریزی، ۳۳۹/۴)، عکرمه (ابن ابی شیبه، ۱۸۵/۷؛ سیوطی، همان جا؛ ۱۸۵؛ مقریزی، ۳۳۹/۴) و اعمش از ابراهیم (ابن ابی شیبه، ۱۸۵/۷) و اعمش از ابراهیم از علقمه (مقریزی، ۳۳۹/۴؛ سیوطی، همان جا) و میمون بن مهران (سیوطی، همان جا) منتسب شده است. در نقل از میمون بن مهران علاوه بر نزول «یا ایها الناس»، نزول «یا بنی آدم» نیز در مکه دانسته شده است (همان).

#### روایات همخوان با تعریف بر اساس موضوع

در تعاریف سه گانه‌ای که زرکشی برای نشان دادن دامنه اختلاف در تعریف مکی و مدنی ارائه کرده بود - یعنی تعریف بر اساس مکان و زمان و مخاطب - تعریف بر اساس موضوع و محتوای آیات جایی نداشت. اما در پاره‌ای از روایات در هنگام تقسیم آیات و سور به مکی و مدنی به موضوع و محتوای آیات توجه شده است.

توجه به موضوع در ارتباط با مکی و مدنی تنها در سخنان رسیده از یکی از تابعین یعنی عروه بن زبیر دیده می‌شود. در این باره نقل‌های گوناگون ولی مشابهی از عروه وجود دارد. در آن‌ها عروه به اختلاف موضوعاتی که در مکان‌های مختلف نازل شده است توجه می‌دهد. این روایات

عروه بن زبیر گوید: آنچه درباره حد و واجبات است در مدینه و آنچه درباره امت‌ها [ی گذشته] و عذاب است، در مکه نازل شده است (محاسبی، ۳۹۴؛ دانی، ۱۳۲؛ قرطبی، ۲۲۵/۱؛ زرکشی، ۱۸۹/۱).



در روایت‌های دیگر - با حذف برخی موضوعات نام برده شده در این روایت - نهایتاً «حج» و «جهاد» و «مستحبات» به موضوعات نازل شده در مدینه و «مثال زدن»، «سخنانی که آرامش پیامبر اکرم (ص) را سبب می‌شود» به موضوعات نازل شده در مکه اضافه شده است (ابن‌ابی‌شیبہ، ۱۸۶-۱۸۵/۷؛ مقریزی، ۳۳۹/۴؛ سیوطی، *الایتنان*، ۵۶/۱؛ همو، *الدر المثور*، ۳۳/۱).

ابن‌اسحاق (۱۵۱ ه. ق) یکی از این روایات را نهایتاً به هشام - و نه عروه پدر او - می‌رساند (ابن‌اسحاق، ۲۵۶/۵).

در یکی از نقل‌ها به جای «نزول در مکه» و «نزول در مدینه» واژگان «مکی» و «مدنی» آمده است (زرکشی، ۱۸۸/۱). به‌کارگیری این دو واژه چه از سوی عروه باشد و چه تغییری از سوی راویان باشد، در هر حال از آن حکایت می‌کند که به‌کارگیرنده آن‌ها واژگان «مکی» و «مدنی» را هم معنا با «نزول در مکه» و «نزول در مدینه» می‌دانسته است.

در مجموع در این روایت‌های مشابه، تقسیم آیات و سور بر مبنای توجه به موضوع و محتوای آن‌ها صورت گرفته است.

اما آیا دو دسته اخیر روایات، یعنی روایات همخوان با تعریف بر اساس «مخاطب» و «موضوع» در صدد ارائه «تعریف» هستند یا به دنبال هدفی دیگرند؟ به نظر می‌رسد که گویندگان این روایات در واقع در صدد تحدید سور مکی و مدنی نیستند و نمی‌خواهند ملاکی برای تعریف مکی و مدنی ارائه دهند و مرز بین سور مکی و مدنی را جدا کنند؛ بلکه گویا گویندگان این روایات در صدد آموزشی عمومی‌اند و می‌خواهند راهی آسان را جلوی پای عامه مردم برای دانستن اینکه کدام سوره در مکه و کدام یک در مدینه نازل شده است بنهند. بنابراین استناد به آن‌ها برای ارائه تعریف اصطلاح مکی و مدنی درست نیست. زیرا مثلاً نمی‌توان گفت مکی از نظر ابن‌مسعود آیه و سوره‌ای است که در آن «یا أيها الناس» آمده است و از نظر عروه آیه و سوره‌ای است که در آن از چند موضوع خاص سخن گفته

شده باشد؛ چه اینکه مسلماً ابن مسعود می‌دانسته که آیات مکی فراتر از بیست آیه‌ای است که در آنها «یا ایها الناس» آمده است و نیز عروه خبر داشته است موضوعات دیگری نیز در آیات مکی مطرح شده است و آیات مکی به آیات دارای موضوعات یادشده او محدود نیست.<sup>۱</sup>

تا کنون تنها عباراتی را که به گونه تعریف بودند و ما آنها را به حساسیت‌های ذهنی و نقاط توجه صحابه و تابعین راهنمایی می‌کردند، بازگو و بررسی کرده‌ایم اما چه بسا بتوان تعریف مکی و مدنی را از لابه لای داوری درباره مصادیق مکی و مدنی بازبایی کرد.

#### بازبایی تعریف بر اساس داوری درباره مصادیق مکی و مدنی

به گزارش روایات متعدد<sup>۲</sup> صحابه و تابعین درباره مکی یا مدنی بودن آیات داوری کرده‌اند. بررسی این داوری‌ها می‌تواند مشخص کند که آنها چه برداشتی از دو واژه مکی و مدنی داشته‌اند و مکی و مدنی را بر اساس چه معیاری تعریف می‌کرده‌اند. آیا مکان نزول را ملاک داوری قرار می‌دادند و یا مخاطب آیه با شاخصه وجود عبارات «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» را ملاک باز شناخت مکی از مدنی می‌انگاشتند و یا زمان نزول آیه یعنی نزول قبل یا بعد از هجرت را ملاک می‌دیدند.

بررسی نشان می‌دهد که آنها هیچ آیه‌ای را که بعد از هجرت در مکه نازل شده باشد، به دلیل نزول در مکه، مکی معرفی نکرده‌اند و نیز هیچ آیه‌ای را که قبل از هجرت نازل شده، به دلیل وجود «یا ایها الذین آمنوا» مدنی معرفی نکرده‌اند و نیز هیچ آیه‌ای را که بعد از

۱. توجه به «محتوا و موضوع» آیات - که عروه در راستای آموزش و شناساندن آیات مکی و مدنی به کار بست - در سده‌های بعد به فراوانی به عنوان راه شناخت آیات مکی و مدنی استفاده شد. به این ترتیب که بدون استناد به روایت، و تنها بر اساس محتوای آیه درباره مکی یا مدنی بودن آن قضاوت صورت گرفت که این مسئله به استثنا کردن آیات فراوانی از سورشان در مکی یا مدنی بودن انجامید.

۲. این روایات در اشکال متفاوت می‌توان دید: ۱- روایات معرفی‌کننده آیات و سور مکی و مدنی؛ ۲- روایات ترتیب نزول؛ ۳- روایات اسباب نزول؛ ۴- ناسخ و منسوخ؛ ۵- فضائل سور.

هجرت نازل شده، به علت وجود «یا أَيُّهَا النَّاسُ» مکی ندانسته‌اند<sup>۱</sup> (سیوطی، الإیتقان، ۳۴/۱ - ۵۸؛ معرفت، ۱۴۷/۱ - ۲۳۷).

بدین ترتیب در مواردی که حاصل داوری بر اساس مکان و یا مخاطب، با داوری بر اساس زمان متعارض می‌شود در عمل به ملاک «زمان» ارزش نهاده‌اند و داوری زمانی را برگزیده‌اند.

همچنین صحابه و تابعین در هنگام ارائه فهرست سور مکی و مدنی و ترتیب نزول، عبارات «نزل بمکه»، «نزل بالمدينه» و عبارات‌های مشابه را به کار برده‌اند (سیوطی، الإیتقان، ۳۵/۱، ۳۷ و ۳۹؛ جفری، ۸)؛ این عبارات در توجه به مکان نزول ظهور دارد؛ لیکن باید توجه داشت که منظور از عبارت «ما نزل بمکه...» و «ما نزل بمدینه...» مشخص کردن دقیق مکان نزول در مکه یا مدینه نمی‌تواند باشد؛ چه اینکه آیاتی که در شب معراج در بیت‌المقدس<sup>۲</sup> و یا قبل هجرت در سفر طائف نازل شده‌اند<sup>۳</sup> را بیت‌المقدسی و یا طائفی نخوانده‌اند و آیات که در غزوه تبوک در مرزهای روم و یا در راه بازگشت از این غزوه<sup>۴</sup> نازل شده‌اند «تبوکی» ندانسته‌اند.<sup>۵</sup> لذا به نظر می‌رسد از آنجا که آیات و سور قرآن در دو

۱. همچون بقره/۲۸۱، نساء/۵۸ و ۱۷۶، مائده/۳ که بعد از هجرت در مکه نازل شده‌اند و حجرات/۱۳ که در آن عبارت «یا أَيُّهَا النَّاسُ» آمده و بعد از هجرت نازل شده است. داوری‌های مفسران و قرآن‌پژوهان متقدم و متأخر درباره این آیات در ادامه به صورت مبسوط می‌آید. در هیچ‌یک از منابع ارجاع داده شده، استثنا این آیات صحابه و تابعین به علت مکان نزول یا وجود عبارتی خاص، نسبت داده نشده است.

۲. نزول آیه ۴۵ سوره زخرف را در شب معراج پیامبر (ص) در بیت المقدس دانسته‌اند (ابوحمزّه ثمالی، ۳۰۰؛ قمی، ۲۸۴/۲؛ طبری، ۴۷/۲۵؛ سمرقندی، ۲۵۹/۳).

۳. نزول آیه ۴۵ سوره لقمان را در شهر طائف دانسته‌اند (زرکشی، ۱۹۷/۱؛ سیوطی، الإیتقان، ۶۳/۱).

۴. نزول آیات ۶۵ سوره توبه را در غزوه تبوک و یا هنگام بازگشت از آن غزوه دانسته‌اند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۷۹/۲؛ عبد الرزاق صنعانی، ۲۸۲/۲؛ قمی، ۳۰۰/۱؛ طبری، ۱۹/۱۰؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۸۳۰/۶؛ نحاس، ۲۳۰/۳؛ سمرقندی، ۷۰/۲؛ ابن‌ابی‌زمین، ۲۱۶/۲)

۵. آیه ۴۵ سوره لقمان را همگان مکی و آیه ۶۵ سوره توبه را همگان مدنی دانسته‌اند و از سوری که در آن قرار گرفته‌اند استثنا نکرده‌اند. (لقمان/۴۵؛ مقاتل بن سلیمان، ۴۳۱/۳؛ قمی، ۱۶۱/۲؛ سمرقندی، ۲۰/۳؛ ترجمه تفسیر طبری، ۱۴۰۷/۵؛ ابن‌جوزی، ۴۲۹/۳؛ زمخشری، ۴۸۹/۳؛ طبرسی، ۴۸۸/۸؛ ابن‌عطیه، ۳۴۵/۴ - توبه/۶۵؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۵۳/۲؛ قمی، ۲۸۱/۱؛ سمرقندی، ۳۷/۲؛ ابو الفتوح، ۱۶۲/۹؛ ابن‌جوزی، ۲۳۰/۲؛ زمخشری، ۲۴۱/۲؛ طبرسی، ۳/۵؛ ابن‌عطیه، ۳/۳) و آیه ۴۵ سوره زخرف را اکثر قریب به اتفاق مفسران مکی دانسته‌اند (قمی، ۲۸۰/۲؛ ابن‌قتیبه، ۳۴۱؛

قسم «ما نزل بمکه...» و «ما نزل بالمدينة...» خلاصه شده‌اند و در کنار آن دو، آیه‌ای به عنوان «ما نزل بتبوك» و ... معرفی نشده است، می‌توان گفت: کسانی که سیاهه‌ای از سور و آیات را تحت این عناوین ارائه کرده‌اند چیزی فراتر از مکان نزول را در ذهن خود ملاک قرار داده بودند و ظاهراً ملاک آن‌ها محل اقامت پیامبر (ص) بوده است و محل اقامت حضرت و مرکز نشر دعوت قبل از هجرت مکه و بعد از آن مدینه بوده است.

در مجموع باید بگوییم صحابه و تابعین تعریفی از اصطلاح مکی و مدنی به دست ما نداده‌اند و نکته مهم آن است که سخنان رسیده از آنان از توجه آن‌ها به «مکان» نزول، «مخاطب» آیات الهی، و نیز «محتوای» آیات حکایت دارد و توجه به «زمان» نزول آیه و نزول «قبل یا بعد از هجرت» در کلام آن‌ها دیده نمی‌شود. به عبارت دیگری صحابه و تابعین در گفتار خود به ملاک زمان که زرکشی و دیگران آن را مشهور می‌دانند و امروز نیز به عنوان تعریف برگزیده شناخته می‌شود التفاتی نداشته‌اند، اما در عمل هنگام داوری، محل اقامت پیامبر (ص) را - که با هجرت حضرت تغییر کرد - اصل قرار داده‌اند.

### ب) سخنان مفسران و قرآن‌پژوهان متقدم

بعد از درگذشت صحابه و تابعین، سخن درباره مکی یا مدنی بودن آیات پی گرفته شد. کتب مستقلی در این باره نوشته شد و باب‌های مستقلی به این بحث اختصاص یافت. مفسرین نیز در تفاسیر خود در این باره سخن گفتند و به تدریج بحث و اختلاف بر سر مکی یا مدنی بودن آیات روی نمود. در این دوران که از یک سو نگارش اطلاعات - که اصولی و استوارتر شدن سخن را به همراه داشت - متداول شد و از سوی دیگر اختلاف در مکی یا مدنی بودن آیات شدت یافت انتظار می‌رود، به ارائه تعریف دو واژه «مکی» و «مدنی» توجه شایانی شود؛ اما جستجو در سخن مفسران و کسانی که پیش از زرکشی

ترجمه تفسیر طبری، ۱۶۶۵/۶؛ زمخشری، ۲۳۵/۴؛ طبرسی، ۵۹/۹؛ بغوی، ۱۵۳/۴؛ ابو الفتوح، ۶۱۶/۲۷؛ قرطبی، ۶۱/۱۶؛ شیبانی، ۳۷۹/۴؛ جرجانی، ۳۷/۹ و تنها مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ ه.ق) آیه مذکور را از سوره مکی زخرف استثنا کرده (ابو حیان، ۳۵۸/۹؛ قرطبی، ۶۱/۱۶) و مدنی دانسته است. (مقاتل بن سیمان، ۷۸۷/۳ پ.)

درباره مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها اظهار نظر کرده‌اند ما را با نشانه‌های وجود چنین اهمی مواجه نمی‌کند و از میان انبوه اقوال رسیده از آنان تنها می‌توان تعداد انگشت شماری تعریف را یافت. این تعاریف برجای مانده تعاریف زیر هستند:

۱- یحیی بن سلام (۱۲۴-۲۰۰ ه. ق) گوید:

هرچه [از قرآن] که در مکه و در راه مدینه - پیش از رسیدن پیامبر [ص] به آن شهر نازل شده، مکی است و هرچه که در سفرهای حضرت پس از هجرت به مدینه نازل شده، مدنی است و هر آنچه در قرآن «یا ایُّها الذین آمنوا» است، مدنی؛ و «یا ایُّها الناس» هم مکی است و هم مدنی و بیشتر مکی است (دانی، ۱۳۲)¹.

۲- هود بن مُحَكَّم (نیمه دوم قرن سوم)، صاحب تفسیر کتاب الله العزیز، که تقریباً پنجاه سال با یحیی بن سلام اختلاف سنی دارد، در تفسیر خود همین کلام را تکرار می‌نماید (هود بن محکم، ۶۹/۱).

۳- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۴۸۱ - ۵۴۱ ه. ق) صاحب تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز که با فاصله زمانی حدود دوست سال پس از هود بن محکم (نیمه دوم قرن سوم) می‌زیسته، گوید:

۱. یحیی بن سلام از مفسران قیروان در سده دوم هجری است. او صاحب تفسیر بزرگی بوده که اصل تفسیر او به دست ما نرسیده، اما ابن ابی زَمَین (۳۹۹ ق) تفسیر او را خلاصه کرده است که این خلاصه به دست ما رسیده و با عنوان تفسیر ابن ابی زَمَین (و هو مختصر تفسیر یحیی بن سلام) چاپ شده است. سخن اخیر یحیی بن سلام که ما آن را از کتاب البیان فی عدای القرآن أبو عمرو الدانی (۳۷۱ - ۴۴۴ ه. ق) نقل کردیم، در نسخه‌های خطی تفسیر ابن ابی زَمَین محو شده و محققان با عنوان «طمس فی الأصل أثبتناه ممّا بعده» آن را به متن افزوده‌اند (ابن ابی زَمَین، ۱۰/۱). در تفسیر ابن ابی زَمَین، یحیی بن سلام دوازده ویژگی - همچون ناسخ و منسوخ، عام و خاص و... - را که مفسر باید بداند نام می‌برد و در میان آنها نخست مکی و مدنی را برمی‌شمارد. این نکته نشان می‌دهد که اولاً در سده دوم مقوله شناخت مکی و مدنی مستقل از بحثهای دیگر مثل ناسخ و منسوخ و اسباب نزول و ... مطرح بوده است و ثانیاً از آنجا که یحیی بن سلام آن را در صدر مباحث نام می‌برد می‌توان گفت که بحث مکی و مدنی بحثی حاشیه‌ای و کم اهمیت نبوده بلکه به عنوان یکی از مباحث مهم شناخته می‌شده است.

هر آنچه که از قرآن بعد از هجرت پیامبر (ص) نازل شده مدنی است خواه در مدینه نازل شده باشد یا در یکی از سفرهای ایشان و یا در مکه؛ و تنها آنچه که قبل از هجرت نازل شده، مکی قلمداد می‌شود (ابن عطیه آندلسی، ۱۴۳/۲).

۴- قرطبی، محمد بن احمد (۵۷۸ - ۶۷۱ ه. ق) صاحب تفسیر جامع الأحکام در سده بعد سخن ابن عطیه در تعریف مکی و مدنی را تکرار می‌کند<sup>۱</sup> (قرطبی، ۳۰/۶).

۵- ابن جزئی، محمد بن احمد غرناطی (۶۹۳ - ۷۴۱ ق) صاحب تفسیر التسهیل لعلوم التنزیل که صد سال پس از قرطبی می‌زیسته، نیز همان تعریف را تکرار می‌کند<sup>۲</sup> (ابن جزئی، ۵/۱).

۶- ابو حیان آندلسی، محمد بن یوسف (۶۵۴ - ۷۴۵ ه. ق) که معاصر با ابن جزئی بوده، در کتاب البحر المحیط در آغاز تفسیر سوره مائده ضمن آنکه این سوره را مدنی معرفی می‌کند، درباره آن می‌گوید:

... و برخی از آیات در حجة الوداع نازل شده و برخی (در مکه) در سال فتح مکه نازل شده؛ و هر چه که بعد از هجرت در مدینه یا در سفر یا در مکه نازل شده باشد، مدنی است (ابو حیان، ۱۵۷/۴).

۱. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که المحرر الوجیز یکی از منابع قرطبی در تدوین الجامع الأحکام بوده است (مهدوی راد، ۴۵۳).

۲. ابن جزئی (۷۴۱ ه. ق) در ادامه گوید: بدان اکثر سور مکی در اثبات عقاید و رد مشرکین و در باب قصص انبیا نازل شده‌اند و اکثر سور مدنی در احکام شرعی و در رد بر یهود و نصارا و سخن از منافقین و بیان حکم مسائل و یادکرد غزوات پیامبر (ص) نازل شده‌اند و هر جا «یا ایُّها الذین آمنوا» آمده آیه مدنی است ولی «یا ایُّها الناس» هم در آیات مکی و هم در آیات مدنی واقع شده است.

این سخن او نشان می‌دهد که او توجه به مخاطب آیات مکی و مدنی با شاخصه جستجوی «یا ایُّها الذین آمنوا» و «یا ایُّها الناس» و نیز توجه به موضوع و محتوای آیات مکی و مدنی را مسائلی فراتر از تعریف اصطلاح مکی و مدنی می‌دانسته و آنها را در ردیف تعریف نمی‌دیده است. گویا وی در مقام آشنا سازی مخاطب با تفاوت‌های آیات مکی و مدنی و شناخت سهل‌تر آنها بعد از ارائه تعریف اصطلاحی، نکاتی را در باب محتوای آیات و وجود عباراتی خاص یادآور شده است.

ما در پژوهش خود غیر از شش تعریف فوق، به تعریف دیگری از مفسران و قرآن‌پژوهان قبل از زرکشی دست نیافتیم.

عده‌ای چون ابو عبید قاسم بن سلام (۲۲۴ ه. ق) در *فضائل القرآن*، یعقوبی (۲۸۴ ه) در تاریخش، ابن‌ضریس (۲۹۴ ه. ق) در *فضائل القرآن*، طبری (۳۱۰ ه. ق) در *جامع البیان*، ثعلبی (۴۲۷ ه. ق) در *الکشف و البیان*، ابن‌ندیم (۴۳۸ ه. ق) در *الفهرست*، صاحب‌المبانی *فی نظم القرآن* (نگاشته شده در ۴۲۵ ه. ق)، شیخ طوسی (۴۶۰ ه. ق) در *التبیین فی تفسیر القرآن*، طبرسی (۵۴۸ ه. ق) در *مجمع‌البیان*، شهرستانی (۵۴۸ ه. ق) در *تفسیر منسوب به او به نام مفاتیح الأسرار*، ابن‌جوزی (۵۹۷ ه. ق) در *فنون الفان*، ابن‌طاووس (۶۶۴ ه. ق) در *سعد السعود*، خازن (۷۲۵ ه. ق) در *لباب التأویل* که در آثار خود درباره مکی و مدنی بحث کرده و مصادیق سور مکی و مدنی را مشخص نموده‌اند هیچ‌یک تعریفی از مکی و مدنی ارائه نکرده‌اند و لذا نوع تلقی آن‌ها از این دو واژه مشخص نیست.<sup>۱</sup>

اما این شش تعریف به جا مانده در تعریف بر اساس «زمان» متفق‌القول‌اند. به بیان دیگر اولاً ملاکی که اندک توجه به آن در «گفتار» صحابه و تابعین قابل مشاهده نبود حدود دو قرن بعد به عنوان ملاک تعریف تثبیت شد و ثانیاً در تعاریف مدون بر جای مانده از قبل از زرکشی هیچ اختلافی در تعریف مشاهده نمی‌شود و هماهنگی کاملی در آن‌ها وجود دارد. نیکوست که در این برهه از زمان نیز، با بررسی داورهای صورت گرفته درباره مصادیق مکی و مدنی، پیش‌فرض داوران کاویده شود و بر اساس آن‌ها تعریف صاحب نظران از مکی و مدنی بازخوانی شود.

### بازیابی تعریف مکی و مدنی بر اساس داوری درباره مصادیق

آیات زیر از جمله آیاتی هستند که بر اساس تعاریف مختلف حکم متفاوت پیدا می‌کند:

۱. برخی از قرآن‌پژوهان متقدم همچون فراء (۲۰۷ ه. ق) در معانی القرآن، ابو عبیده معمر بن مثنی (۲۱۱ ه. ق) در *مجاز القرآن* و زجاج (۳۱۱ ه. ق) در *معانی القرآن و اعرابه اصلاً* به بحث مکی و مدنی و مصادیق آن نپرداخته‌اند و به تبع تعریفی نیز ارائه نداده‌اند.

آیه اول: آیه ۲۸۱ سوره مدنی بقره: وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

طبرسی (۵۴۸ ه. ق) در مجمع‌البیان نزول این آیه را در منی در حجة الوداع می‌داند و به همین علت آن را از سوره مدنی بقره استثنا کرده مکی معرفی می‌کند (طبرسی، ۱۱۱/۱).<sup>۱</sup> این استثناء نشان می‌دهد که تعریف طبرسی از مکی و مدنی تعریفی مکان محور و با معیار توجه به مکان نزول بوده است. ما این استثنا را از اندیشمندان دیگری که قبل از طبرسی (۵۴۸ ق) درباره مکی و مدنی داوری کرده است، نیافتیم و همه، کل سوره بقره را مدنی معرفی کرده بودند (مقاتل، ۴۱/۱؛ نحاس، ۷۲ - ۷۳؛ سمرقندی، ۲۰/۱ و ۱۸۹؛ ابن ابی‌زمین، ۱۲۰/۱؛ ترجمه تفسیر طبری، ۲۰/۱؛ ثعلبی، ۱۳۵/۱؛ دانی، ۱۴۰؛ ابن حزم، ۱۹؛ واحدی، ۲۴؛ سمعانی، ۴۰/۱).

و طبرسی (۵۴۸ ه. ق) در کتاب جوامع الجامع نیز کل این سوره را مدنی معرفی کرده است<sup>۲</sup> (طبرسی، ۱۱/۱).

بعد از طبرسی (۵۴۸ ه. ق) تا زمان زرکشی (۷۹۴ ه. ق) بسیاری از قرآن‌پژوهان این آیه را از کل سوره استثنا نکرده‌اند (اسفراینی، ۵۹/۱؛ زمخشری، ۱۹/۱؛ ابن عطیه، ۸۱/۱؛ شیبانی، ۸۱/۱؛ بیضاوی، ۳۳/۱؛ بغوی، ۸۰/۱؛ ابوحیان، ۷۵۶/۲؛ ابن کثیر، ۶۶/۱؛ جرجانی، ۲۷/۱) اما برخی این استثنا را پذیرفته‌اند. (فخر رازی، ۲۴۹/۲) و برخی تنها از استثنا صورت گرفته خبر داده‌اند (نیشابوری، ۱۲۸/۱؛ ابن جوزی، ۲۴/۱؛ قرطبی، ۱۵۲/۱).

آیه دوم: آیه ۵۸ سوره مدنی نساء: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا ... گفته شده این آیه در روز فتح مکه، در مکه نازل شده است (مقاتل، ۳۸۱/۱؛ جصاص، ۱۷۲/۳؛ سمرقندی، ۳۱۲/۱؛ طوسی، ۲۳۴/۳؛ ثعلبی، ۳۳۲/۳)؛ و سبب نزول آن نیز سفارش

۱. مدنیة کلها إلا آیه واحده منها و هي قوله وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ فَإِنَّهَا نزلت في حجة الوداع بمنى.  
 ۲. البته براساس گزارش محقق کتاب جوامع الجامع در یکی از نسخ خطی این کتاب، موجود در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی این آیه از سوره بقره استثنا شده است.



درباره باز گرداندن کلید خانه خدا به عثمان بن طلحه بوده است. بنابراین این آیه بر طبق تعریف بر اساس مکان، مکی و بر طبق تعریف بر اساس زمان مدنی است.

ظاهراً اولین کسی که نزول این آیه در مکه را مبنای داوری در باب مکی یا مدنی بودن قرار داد، نحاس (۳۳۸ ه. ق) بوده است و او نه تنها این آیه را به واسطه نزول در مکه، مکی معرفی کرده بلکه کل سوره نساء را بدین خاطر مکی دانسته است (ابن حجر، ۳۷/۹؛ عینی، ۲۲/۲۰؛ سیوطی، ۴۱/۱).<sup>۱</sup>

بعد از او سمعانی (۴۸۹ ه. ق) این آیه را به علت نزول در شهر مکه، مکی شمرده است (سمعانی، ۳۹۲/۲). نیز ابن عطیه (۴۸۱ - ۵۴۱ ه. ق) و قرطبی (۵۷۸ - ۶۷۱ ه. ق) - با وجود ارائه تعریف زمان محور از اصطلاح مکی و مدنی<sup>۲</sup> - این استثنا را پذیرفته‌اند (ابن عطیه، ۳/۲؛ قرطبی، ۱/۵)؛ و ابو حیان (۶۵۴ - ۷۴۵ ه. ق) این نظر را به جمهور مسلمانان نسبت داده است (ابو حیان، ۴۹۲/۳).

شیخ طوسی (۴۶۰ ه. ق)، طبرسی (۵۴۸ ه. ق) و ابن طاووس (۶۶۴ ه. ق) - نوه شیخ طوسی که در سعد السعود در صدد نقل نظرات جدش است - و ابوالفتح رازی (زنده در ۵۵۲) استثناء صورت گرفته را بدون تأیید آن، به برخی نسبت داده‌اند. آن‌ها پس از بیان این استثناء به مکان نزول آیه - که نشان دهنده علت استثنا کردن است - اشاره کرده‌اند (طوسی، ۹۷/۳؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۳/۳؛ ابن طاووس، ۲۹۴؛ ابوالفتح رازی، ۲۳۱/۵).

۱. بر اساس برخی از منابع متقدم‌تر از عمده القاری و فتح الباری و الاتقان هر چند نحاس این سوره را مکی دانسته، ولی داوری او به نزول این تک آیه در مکه معلل نشده است. به عبارت دیگر او مکان نزول را ملاک داوری قرار نداده است و اصلاً دلیلی برای رأی نحاس مبنی بر مکی بودن سوره نساء گزارش نشده است (سمعانی، ۳۹۲/۱؛ ابن عطیه، ۳/۲). شایان ذکر است در چاپ انتشارات جامعه ام القرى «معانی القرآن» در آغاز سوره نساء این سوره یک بار مدنی و بار دیگر مکی معرفی شده است (نحاس، ۵/۲ و ۷).

۲. ابن عطیه و به تبع او قرطبی پس استثنا کردن این آیه از سوره مدنی نساء به سبب نزول در شهر مکه در آغاز تفسیر سوره نساء، در چند سطر بعد به اقتضای سخن گفتن از مدنی بودن آیات دارای «یا أَيُّهَا النَّاسُ» در این سوره، به مدنی بودن آیاتی که بعد از هجرت نازل شده‌اند تصریح می‌کند و بدین جهت آیات دارای «یا أَيُّهَا النَّاسُ» در این سوره را مدنی می‌شمارد؛ و این در حالی است که در چند سطر پیش، آیه ۵۸ را به واسطه نزول در مکه در سال فتح مکه، مکی دانسته‌اند.

در مقابل دیگر مفسران قبل از زرکشی که دربارهٔ مکی یا مدنی بودن این سوره داوری کرده‌اند، این استثنا را نپذیرفته و کل سوره نساء را مدنی دانسته‌اند<sup>۱</sup> (مقاتل، ۳۵۳/؛ ابن قتیبه، ۱۰۵؛ ابن ابی‌زمینین، ۳۴۴/۱؛ ترجمه تفسیر طبری، ۲۸۸/۱؛ ثعلبی، ۲۴۱/؛ اسفراینی، ۴۵۷/۲؛ زمخشری، ۴۶۱/۱؛ میبدی، ۴۰۱/۲؛ ابن جوزی، ۳۶۶/۱؛ ابوالفتوح، ۲۳۱/۵؛ فخر رازی، ۴۷۵/۹؛ شبیبانی، ۱۰۷/۲؛ بیضاوی، ۵۸/۲؛ نیشابوری، ۳۳۸/۲؛ جرجانی، ۱۸۱/۲).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد بیشتر مفسران متقدم این آیه را مکی ندانسته‌اند.

**آیه سوم:** آیه ۱۷۶ سوره مدنی نساء: *يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ ...*

دربارهٔ مکان نزول این آیه اختلاف است؛ نزول آن را برخی در مدینه و برخی در راهی که پیامبر (ص) از آن می‌گذشتند می‌دانند (طبری، ۲۹/۶؛ طوسی، ۴۰۷/۳). بنا بر هر دو قول به خصوص قول نخست داوری دربارهٔ مکی یا مدنی بودن آیه با مبنای تعریف مکانی یا زمانی دست خوش تغییر می‌شود.

در مجمع‌البیان طبرسی (۵۴۸ ه. ق) خبر می‌دهد که برخی این آیه را از کل سوره مدنی نساء به علت نزول در مکه استثناء کرده‌اند (طبرسی، ۳/۳)؛ و البته به این علت که او در آغاز کل سوره را مدنی معرفی می‌کند و استثناء صورت گرفته را با واژه «قیل» همراه می‌کند گویا استثنا صورت گرفته رای برگزیده او نیست.

از دیگر کسانی که داوری آن‌ها دربارهٔ آیات مکی و مدنی موجود است - چه آنان که قبل از طبرسی می‌زیسته‌اند و چه آنان که بعد از طبرسی تا زرکشی می‌زیسته‌اند - این استثنا نقل نشده است (مقاتل بن سلیمان، ۳۵۳/۱؛ ابن قتیبه، ۱۰۵؛ قمی، ۱۳۰/۱؛ ابن ابی‌زمینین،

۱. اندک مفسرانی نیز وجود دارند که همچون نحاس (۳۳۸ ه. ق) سوره نساء را مکی دانسته‌اند (سمرقندی، ۲۷۸/۱). سابقهٔ مکی شمردن این سوره به مفسران صحابه و تابعی یعنی ابن عباس و مجاهد و جابر بن زید و قتاده می‌رسد (ابن جوزی، ۳۶۶/۱)؛ اما آنها این داوری خود، دربارهٔ سوره نساء را مستدل نکرده‌اند و به نزول آیه ۵۸ یا هر آیه دیگری در مکه مربوط نساخته‌اند.

۳۴۴/۱؛ ترجمه تفسیر طبری، ۲۸۸/۱؛ ثعلبی، ۲۴۱/۳؛ طوسی، ۹۷/۳؛ اسفراینی، ۴۵۷/۲؛ بیضاوی، ۵۸/۲؛ نیشابوری، ۳۳۸/۲؛ جرجانی، ۱۸۱/۲؛ ابوحیان، ۱۵۷/۴).

**آیه چهارم:** آیه سوم سوره مدنی مائده **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ** وَ أَمَّا حُنْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي نزول این آیه را برخی در روز فتح مکه، برخی در حجة الوداع و برخی در سرزمینی دارای برکه، به نام خم - بین مکه و مدینه نزدیک جحفه (حموی، ۳۸۹/۲) - می دانند (مقاتل، ۴۵۳/۱؛ طبری، ۵۱/۶ و ۵۳ و ۵۴؛ جصاص، ۳۰۷/۳؛ سمرقندی، ۳۶۹/۱؛ طوسی، ۴۳۵/۳؛ حسکانی، ۲۰۰/۱ - ۲۰۳ ابوالفتوح، ۲۱۴/۶؛ طبرسی، مجمع البیان، ۲۴۶/۳؛ طبرسی، جوامع الجامع، ۳۱۲/۱؛ ابن کثیر، ۲۵/۳).

بدین ترتیب بر اساس هر یک از این اقوال این آیه بعد از هجرت در مکانی غیر از مدینه نازل شده است؛ از این رو داوری درباره مکی یا مدنی بودن آن بر اساس تعریف زمانی یا مکانی متفاوت می شود.

ظاهراً اولین بار، شیخ طوسی (۴۶۰ ه. ق) خبر از استثنا کردن این آیه به واسطه مکان نزول آن از سوره مدنی مائده می دهد<sup>۱</sup>. او این استثنا را به جعفر بن مبشر (۲۳۴ ه. ق)<sup>۲</sup> منتسب می کند (طوسی، ۴۱۳/۳). طبرسی (۵۴۸ ه. ق) به جعفر بن مبشر، شعبی (۱۰۴ ه. ق)<sup>۳</sup> را می افزاید (طبرسی، مجمع البیان، ۲۳۱/۳) و این در حالی است که پیش تر شیخ طوسی (۴۶۰ ه. ق) بعد از آنکه استثنا را به جعفر نسبت می دهد، درباره شعبی (۱۰۴ ه. ق) تنها

۱. در نسخه چاپ شده از تفسیر مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ ق) استثنا کردن این آیه به این مفسر تابعی نسبت داده شده است. و اتفاقاً به سبب این استثنا - نزول در عرفه - نیز اشاره شده است (مقاتل بن سلیمان، ۴۴۷/۱).

بر این اساس باید مقاتل (۱۵۰ ق) را نخستین کسی بدانیم که براساس مکان نزول درباره این آیه داوری کرده و آن را از کل سوره استثنا نموده است. اما مسئله اساسی درباره این تفسیر ورود آرای افرادی غیر از مقاتل در آن است (فؤاد سزگین، ۸۵/۱). در این مورد خاص این مسئله از آنجا قوت می گیرد که در منابع دیگر با وجود نقل سخن مقاتل درباره سوره مائده این استثنا به او نسبت داده نشده است (ابن جوزی، ۵۰۵/۱).

۲. از بزرگان معتزله و صاحب تألیفی درباره ناسخ و منسوخ (ابن ندیم، ۲۰۸؛ خطیب بغدادی، ۱۷۲/۷ و ۱۷۳؛ ذهبی، ۵۴۹/۱۰).

۳. او عامر بن شرحبیل (شراحیل) است (خطیب تبریزی، ۲۰۷؛ تفرشی، ۱۰/۳ و ۲۸۷/۵؛ اردبیلی، ۴۲۷/۱ و ۴۴۷/۲).

گفته بود شعبی نزول این آیه را در عرفه در حجه الوداع می‌داند. (طوسی، ۱۳/۳) و از نظر شعبی دربارهٔ مکی یا مدنی بودن آیه و نیز استثنا کردن آیه از کل سوره سخنی به میان نیاورده بود.

ابن جوزی (۵۱۱-۵۹۷ ه. ق) نیز استثنا کردن این آیه را به ابو سلیمان دمشقی (۲۳۳ ه. ق)<sup>۱</sup> نسبت می‌دهد (ابن جوزی، ۵۰۵/۱).

از بین مفسرین پیش از زرکشی، اسفراینی (۴۷۱ ه. ق)، بغوی (۵۱۶ ه. ق)، نظام‌الدین نیشابوری (بعد از ۷۲۸ ه. ق)، ابن جزی (۷۴۱ ه. ق) و جرجانی (قرن هشتم)<sup>۲</sup> خود و بدون انتساب به دیگری، مکی بودن این آیه را برگزیده‌اند و آیه را از کل سوره استثنا کرده‌اند (اسفراینی، ۵۵۶/۲؛ بغوی، ۵/۲؛ نیشابوری، ۵۳۹/۲؛ ابن جزی، ۲۱۹/۱؛ جرجانی، ۳۱۷/۲). در واقع در مورد این آیه این پنج مفسر بر اساس تعریفی مکانی از مکی و مدنی عمل کرده‌اند و این در حالی است که همان‌گونه که پیش‌تر گذشت ابن جزی تعریفی کامل و سامان‌یافته بر اساس زمان در تعریف مکی و مدنی ارائه داده است (ابن جزی، ۵/۱).

به جز جعفر بن مبشر (۲۳۴ ه. ق)، شعبی (۱۰۴ ه. ق) و ابو سلیمان دمشقی (۲۳۳ ه. ق) که مکی دانستن آیه با توجه به مکان نزول به آن‌ها نسبت داده شده و پنج مفسر نام برده که خود مکی بودن این آیه را برگزیده‌اند، مفسر دیگری که قبل از زرکشی (۷۹۴ ه. ق) دربارهٔ مکی یا مدنی بودن سورهٔ مائده داوری کرده است، این آیه را به خاطر نزول در محدودهٔ شهر مکه، مکی معرفی نکرده است (ابن قتیبه، ۱۲۱؛ سمرقندی، ۳۶۴/۱؛ ترجمه تفسیر طبری،

۱. ابن جوزی در کتاب *زاد المسیر* ۲۵۴ مورد از ابو سلیمان دمشقی نقل تفسیر دارد. احتمالاً او سلیمان بن عبد الرحمن، ابن بنت شرحبیل است. (رک: ذهبی، ۴۳۸/۲) از گفتار ابن جوزی بر می‌آید که او صاحب تفسیر بوده و بعد از شافعی (۱۵۰ - ۲۰۴) می‌زیسته است. چه اینکه او در تفسیرش نقل قولهایی از شافعی دارد: و رواه أبو سلیمان الدمشقی فی «تفسیره» عن الشافعی (ابن جوزی، ۳۷۰/۱).

۲. جرجانی آیهٔ ۶۷ مائده را نیز که به همراه این آیه در حجه الوداع نازل شده از کل سورهٔ مائده استثنا کرده و مکی می‌داند (جرجانی، ۳۱۷/۲).

۳۷۳/۲؛ ابن عطیه، ۱۴۳/۲؛ زمخشری، ۵۹۰/۱؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۲۳۱/۳؛ طبرسی، جوامع الجامع، ۳۰۸/۱؛ ابوالفتوح، ۲۱۴/۶؛ میدی، ۱/۳؛ ابن عربی، ۵۲۳/۲؛ فخر رازی، ۲۷۶/۱۱؛ قرطبی، ۳۱/۶؛ بیضاوی، ۱۱۳/۲؛ شبیانی، ۱۸۶/۲؛ حسنی، ۱۱۱؛ ابو حیان، ۱۵۷/۴).

آیه پنجم: آیه ۱۳ سوره حجرات: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَاهُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

این آیه را نازل شده در روز فتح مکه در مکه دانسته‌اند (ترمذی، ۶۵/۵). بر این اساس اگر ملاک مکان را در مکی یا مدنی خواندن لحاظ کنیم آیه مکی و اگر ملاک زمان هجرت را مبنا بگیریم آیه مدنی می‌شود.

شیخ طوسی (۴۶۰ ه. ق) این آیه را از کل سوره مدنی حجرات استثنا کرده است (طوسی، ۳۳۹/۹) و طبرسی (۵۴۸ ه. ق) این استثنا را به ابن عباس منسوب کرده است (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۹۳/۹). اما دلیل وجود ندارد که علت این استثنا کردن آن‌ها نزول این آیه در مکه است.<sup>۱</sup>

از این دو مورد استثنا که بگذریم، بسیاری کل سوره حجرات را بدون استثنا کردن این آیه، مدنی و حتی مدنی به اجماع معرفی کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۸۵/۴؛ قمی، ۳۱۸/۲؛ ابن قتیبه، ۳۵۸؛ سمرقندی، ۳۲۲/۳؛ ترجمه تفسیر طبری، ۱۷۲۷/۷؛ ثعلبی، ۶۹/۹؛ طبرسی، جوامع الجامع، ۱۴۹/۴؛ ابوالفتوح، ۱۸/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱/۴؛ زمخشری، ۳۴۹/۴؛ ابن عطیه، ۱۴۴/۵؛ بغوی، ۲۵۱/۴؛ فخر رازی، ۹۱/۲۸؛ قرطبی، ۳۰۰/۱۶؛ شبیانی، ۴۵/۵؛ بیضاوی،

۱. در نسخه چاپ شده در بیروت به سال ۱۴۰۷ ه. ق، توسط دارالکتاب العربی، در داخل پراکنش آیه سوم سوره مانده استثنا شده است. (زمخشری، ۶۰۰/۱) اما در نسخه چاپ شده در مصر (۱۳۸۵ ه. ق) این استثنا صورت نگرفته است.  
 ۲. این آیه به واسطه وجود « يَا أَيُّهَا النَّاسُ » در آن براساس تعریف سوم زرکشی نیز مکی می‌گردد. در سخن شیخ طوسی به سبب استثنا اشاره‌ای نشده است. طبرسی استثنا این آیه را به ابن عباس منسوب می‌کند؛ اما در هیچ یک از چهار روایت ابن عباس در باب ترتیب نزول و مکی و مدنی چنین استثنایی صورت نگرفته است. در یکی از روایات ابن عباس کل سوره حجرات را مکی معرفی می‌کند و در سه تای دیگر کل سوره را مدنی می‌داند. از این رو مشخص نیست مستند طبرسی در این استثنا کردن کدام نقل از ابن عباس است.

۱۳۳/۵؛ ابو حیان، ۵۰۶/۹؛ ابن کثیر، ۳۴۰/۷؛ نیشابوری، ۱۵۵/۶؛ جرجانی، ۱۵۵/۹؛ ابن جزری، ۲۹۴/۲؛ خازن، ۱۷۵/۴).

**آیات دیگر:** آیه ۲۱ و ۱۶۸ سوره مدنی بقره و آیه ۱ و ۱۷۰ و ۱۷۴ سوره مدنی نساء و آیه ۱۳ سوره مدنی حجرات که در آنها «یا أُیُّهَا النَّاسُ» آمده است؛ و آیه ۷۷ سوره حج که در آن «یا أُیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» آمده بنا بر قول کسانی که این سوره را مکی می‌دانند. زرکشی (۷۹۴ ه. ق) در بیان تعریف سوم از اصطلاح مکی و مدنی می‌گوید: آیاتی که خطاب به اهل مکه است، مکی و آیاتی که خطاب به اهل مدینه است، مدنی است و بر این تعریف سخن ابن مسعود - که بر اساس آن عبارات «یا أُیُّهَا النَّاسُ» در آیات مکی و عبارتهای «یا أُیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» در آیات مدنی وجود دارند - حمل می‌شود (زرکشی، ۱۸۷/۱).

بدین ترتیب می‌توان گفت کسی که تعریف سوم زرکشی را پذیرفته باشد و یا آن را در ذهن در هنگام داوری مبنا قرار دهد باید شش آیه نخست را، به علت وجود «یا أُیُّهَا النَّاسُ» در آنها، و آخرین آیه را، به دلیل وجود «یا أُیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» در آن، از سور مربوطه استثنا کند.

مفسرین قبل از زرکشی (۷۹۴ ه. ق) استثنا این آیات را نه به کسی نسبت داده‌اند و نه خود برگزیده‌اند و برتر از آن با این سخن نه به مثابه تعریف بلکه چون قاعده‌ای برای شناخت آسان مکی و مدنی برخورد کرده‌اند و آن را نیز به نقد کشیده و موارد نغض را یادآور شده‌اند. برای مثال: مکی (۴۳۷ ه. ق) می‌گوید: این سخن در اکثر موارد درست است و عام و کلی نیست و در بسیاری از سوره‌های مکی «یا أُیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» وجود دارد (سیوطی، *اللاتقان*، ۵۶/۱).

ابن حصار (۶۱۱ ه. ق) می‌گوید: کسانی که به مسئله نسخ مشغول بوده‌اند به این حدیث توجه کرده‌اند و با وجود ضعف آن بر آن اعتماد نموده‌اند، در حالی که همه اتفاق نظر دارند

بر اینکه سوره نسا مدنی است و اول آن «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» است و حج مکی است و در آن «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا» آمده است (همان).

ابن عطیه اندلسی (۵۴۱ ه. ق) در آغاز سوره نساء می‌گوید: برخی از مردم گفته‌اند هر جا «یا أَيُّهَا النَّاسُ» واقع شده بی‌گمان مکی است و این سخن شبهه می‌افکند که صدر این سوره مکی باشد. (اما) مدنی تنها آن است که قبل از هجرت نازل شده باشد (ابن عطیه، ۳/۲).

و در جایی دیگر می‌گوید: گاهی در سور مدنی «یا أَيُّهَا النَّاسُ» می‌آید، اما این سخن درباره «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» درست است (همان، ۱۰۵/۱)؛ یعنی همه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در آیات مدنی واقع شده‌اند.

همچنین سیوطی (۹۱۱ ه. ق) از قول کسی که او را نام نمی‌برد می‌گوید: این سخن اگر بر اطلاقش حمل شود جای درنگ است زیرا سوره بقره مدنی است و در آن «یا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ» و «یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ» وجود دارد و سوره نساء مدنی است و در اول آن «یا أَيُّهَا النَّاسُ» است (همان)؛ و از این نقدها فراوان است.

نهایتاً باید گفت که مفسران و کسانی که سیاه‌های از سور مکی و مدنی ارائه کرده‌اند و قبل از زرکشی می‌زیسته‌اند همچون صحابه و تابعین عبارت‌هایی چون «ما نَزَلَ بِمَكَّةَ...» و «ما نَزَلَ بِمَدِينَةَ...» را در هنگام ارائه فهرست سور مکی و مدنی به کار برده‌اند. این عبارات چنان که پیش‌تر آمد هر چند در ظاهر تقسیم‌بندی بر اساس مکان را به ذهن می‌رساند ولی با توجه به این نکته که در کنار آن‌ها قسم سوم «ما نزل بتبوك» و ... نیامده می‌تواند از التفات تقسیم‌کننده به مکان استقرار و اقامت پیامبر (ص) حکایت کنند.

در مجموع باید بگوییم:

۱- از میان مفسران قبل از زرکشی یحیی بن سلام، هود بن محکم و ابن جزری «مکی و مدنی» را چونان اصطلاحی تعریف کرده‌اند و در مقابل اکثر قریب به اتفاق کسانی که در باب مکی یا مدنی بودن آیات سخن گفته و مطلبی نوشته‌اند مسئله تعریف را و نهاده‌اند.

۲- اگر انتساب تعریف مکی و مدنی به یحیی بن سلام (۱۲۴ - ۲۰۰ ه. ق) از سوی ابو عمرو دانی (۳۷۱ - ۴۴۴ ه. ق) درست باشد در واقع اولین تلاش برای تعریف کردن مکی و مدنی بسیار زود هنگام روی نموده است و این دو واژه به گونه‌ی یک اصطلاح در قرن دوم تعریف شده‌اند و اگر این انتساب درست نباشد این دو واژه را هود بن محکم در نیمه‌ی دوم قرن سوم یعنی تقریباً پنجاه سال بعد به شکل اصطلاح تعریف کرده است. ولی پس از آن، مکی و مدنی تعریف نشد تا آنکه ابن جزی (۶۹۳ - ۷۴۱ ه. ق) در اواخر قرن هفتم یا اوائل قرن هشتم به تعریف آن‌ها اقدام کرده است.

۳- نکته‌ی جالب توجه در این میان آن است که تعاریف ارائه شده در این دوران همگی تعاریفی کامل و بر پایه‌ی تعریف مکی و مدنی بر اساس زمان است.

۴- کسانی که سیاهه‌ای از آیات و سور مکی و مدنی ارائه کرده‌اند در هنگام ارائه فهرست سور مکی و مدنی عبارتهایی چون «ما نَزَلَ بِمَكَّةَ...» و «ما نَزَلَ بِمَدِينَةَ...» به کار برده‌اند که این عبارت با تعریف بر اساس مکان همخوان است و البته باید لحاظ داشت احتمالاً از آنجا که قسم دیگری از آیات در کنار آیات مکی و مدنی قرار نگرفته است مکان استقرار پیامبر (ص) و نشر تعالیم الهی مد نظر بوده است.

۵- در این زمان از تعریف بر پایه‌ی مخاطب یا موضوع خبری نیست.

۶- در داوری در مورد آیاتی که مکی یا مدنی دانستن آن‌ها با توجه به تعاریف مختلف، متفاوت می‌شود، تعداد انگشت‌شماری از مفسران و قرآن‌پژوهان بر اساس معیار «مکان» داوری کرده‌اند.

### ج) تعاریف بعد از زرکشی

عالمان پس از زرکشی، در توجه و التزام به ارائه‌ی تعریف مکی و مدنی، به چهار شکل عمل کرده‌اند:



۱- گروهی با وجود بحث و گفتگو درباره مکی و مدنی و تعیین سور مکی و مدنی، تعریفی از این دو واژه یا اصطلاح ارائه نمی‌دهند. فیروزآبادی (۸۱۷ ه. ق)، در *بصائر ذوی التمییز* (۹۷-۱۰۰)، سلطان محمد گنابادی (۱۳۲۷ ه. ق) صاحب *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة* از این جمله‌اند.

۲- گروهی به ارائه یک تعریف و آن هم تعریف با ملاک زمانی، بسنده کرده‌اند و به تعاریف دیگر اشاره‌ای نکرده‌اند. از این گروه می‌توان به قسطلانی (۹۲۳ ه. ق) در *لطائف الإشارات لفنون القرائات* (۲۶-۳۱)، قاسمی (۱۳۳۲ ه. ق) در *تفسیر محاسن التأویل* (۳/۳) اشاره کرد.

۳- گروهی تعاریف مختلف مکی و مدنی را همگون با زرکشی آورده و آن‌ها را نقد کرده و سرانجام همچون زرکشی تعریفی که بر پایه زمان استوار است را برگزیده و مشهور معرفی می‌کنند. بیشتر دانشمندان علوم قرآنی پس از زرکشی در این دسته جای می‌گیرند. سیوطی (۹۱۱ ه. ق) (*الإتقان*، ۳۵/۱) و از عالمان معاصر نیز زرقانی (۱۶۵/۱)، رامیار (۶۰۳-۶۰۱)، معرفت (۱۳۰/۱)، و حجتی (۷۶) از این گروه‌اند.

۴- تنها یک مفسر، بعد از نقل تعاریف سه‌گانه زرکشی، تعریف بر اساس «مکان» را برگزیده است. میرزا ولی الله اشراقی (معاصر) در *توضیح آیات الاحکام*<sup>۱</sup> به این علت که تعریف مذکور را متناسب با اخبار رسیده درباره آیات می‌داند، این تعریف را ترجیح داده است (جرجانی، ۴۰/۲). اشراقی به روایاتی که آن‌ها را متناسب با تعریف مکانی می‌داند اشاره‌ای نمی‌کند و تنها به تحلیل تعارض نداشتن تقسیم آیات به دو قسم مکی و مدنی با روایتی که بر اساس آن پیامبر (ص) نزول قرآن را در سه جا معرفی می‌کنند - و ما پیش‌تر این روایت را در «روایات همخوان با تعریف بر اساس مکان» نقل کردیم - می‌پردازد.

۱. این کتاب در واقع شرح و تعلیقه‌ای است بر *تفسیر آیات الاحکام* مشهور به *تفسیر شاهی* نوشته امیر ابوالفتوح حسینی جرجانی (۹۷۶ ه. ق) و به همراه آن در دو جلد به چاپ رسیده است. اصل کتاب یعنی *تفسیر شاهی* به زبان فارسی و تعلیقه آن یعنی *توضیح آیات الاحکام* به زبان عربی است.

لازم به ذکر است که آقای حجّتی به سه تعریف مذکور، تعریف چهارمی را افزوده‌اند. این تعریف بر پایه توجه به موضوع آیات و سور استوار است. بر اساس این تعریف آیات و سوری که طرح «موضوع» آن‌ها در مکه است مکی، و آیات و سوری که طرح موضوع آن‌ها در مدینه است مدنی دانسته می‌شود. آقای حجّتی تعاریف سه‌گانه پیشینیان را به همراه تعریف مذکور را ذیل بحث «کیفیت شناخت آیات و سور مکی و مدنی» می‌آورند (حجّتی، ۷۶-۷۵).

پیش از ایشان تنها صبحی صالح درباره اهمیت توجه به «موضوعات» مطرح شده در آیات مکی و مدنی سخن گفته بود. صبحی صالح تقسیم سور و آیات قرآن را به مکی و مدنی در آن واحد تقسیم بر اساس زمان و مکان و شخص و موضوع می‌داند و معتقد است که علما هنگام تقسیم سور به مکی و مدنی بر اساس زمان یا مکان یا مخاطب همه جوانب گوناگون - زمان، مکان، مخاطب و موضوع - را در ذهنشان داشته‌اند. در این راستا او بعد از نقل تعاریف سه‌گانه متداول از مکی و مدنی، توجه به موضوعات مطرح شده در این آیات را در پژوهش خود وعده می‌دهد (صبحی صالح، ۶۳۰).

در واقع صبحی صالح بر سودمندی توجه به «موضوع» آیات در هنگام سخن از آیات مکی و مدنی تأکید می‌کند و موضوع را به عنوان ملاکی برای تعریف و یا معیاری برای شناخت مکی و مدنی معرفی نکرده است.

#### بازیابی تعریف مکی و مدنی بر اساس داوری درباره مصادیق

اگرچه اکثر مفسرین بعد از زرکشی (۷۹۴ ه. ق) مکی و مدنی را تعریف نکرده‌اند، اما غالباً در باب مکی یا مدنی بودن آیات و سور در آغاز تفسیر سوره‌ها سخن گفته‌اند. در اینجا نیز بررسی این داوری‌های در مورد آیاتی که داوری بر پایه تعاریف مختلف، متفاوت می‌شود، می‌تواند نشان دهنده تعریف پذیرفته شده از سوی آن‌ها باشد. از میان این آیات

داوری مفسرین درباره آیه ۲۸۱ سوره مدنی بقره «وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» بررسی می‌کنیم.

بررسی نشان می‌دهد که اندیشه مکی بودن این آیه پس از زرکشی (۷۹۴ ه. ق) گسترش یافت و شمار قابل توجهی از مفسران با استناد به مفسران پیشین یا بدون استناد به آنها، این آیه را به علت نزول در منا، مکی معرفی کرده‌اند (کاشانی، *زبدة التفاسیر*، ۳۵/۱؛ کاشانی، *منهج الصادقین*، ۴۹/۱؛ صدرالمتلهین، ۱۸۶/۱؛ قمی مشهدی، ۸۹/۱؛ مراغی، ۳۹/۱؛ گنابادی، ۳۷/۱؛ میرزا خسروانی، ۴۴/۱؛ نجفی خمینی، ۳۰/۱؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۴۹/۱؛ قرشی، ۴۱/۱؛ جعفری، ۳۵/۱). و البته تعداد مفسرانی که این آیه را مدنی دانسته‌اند بیشتر است (محلی، ۵؛ شریف لاهیجی، ۶/۱؛ حقی بروسوی، ۲۷/۱؛ شبر، *تفسیر القرآن الکریم*، ۴۰؛ همو، *الجواهر الثمین*، ۶۳/۱؛ مظهری، ۱۲/۱؛ آلوسی، ۱۰۲/۱؛ بلاغی نجفی، ۶۳/۱؛ حسینی همدانی، ۳۴/۱؛ طالقانی، ۴۵/۱؛ دروزه، ۱۳۰/۶؛ مغنیه، ۳؛ حسینی شیرازی، ۱۰۲/۱؛ قطب، ۲۷/۱؛ قاسمی، ۲۴۱/۱؛ سبزواری، *الجدید*، ۲۵/۱؛ همو، *ارشاد الازهان*، ۷؛ امین، ۶۴/۱؛ نووی جاوی، ۹/۱؛ موسوی سبزواری، ۵۷/۱؛ حسینی شیرازی، *تبیین القرآن*، ۱۱؛ زحیلی، ۱۲/۱؛ ثقفی تهرانی، ۲۲/۱؛ کرمی حویزی؛ ۱۵/۱؛ فضل الله، ۹۳/۱؛ مکارم شیرازی، ۵۷/۱؛ صادقی تهرانی، ۱۵۱/۱).

### نتیجه‌گیری

با نگاهی به چگونگی تعاریف ارائه شده درباره مکی و مدنی و داوری‌های صورت گرفته، روشن می‌گردد:

۱- در سخن صحابه و تابعین هیچ‌یک از تعاریف سه‌گانه و یا چهارگانه وجود ندارد. این مسئله کاملاً طبیعی و منطقی است. در سخنان آنها پیش‌زمینه شکل‌گیری تعریف بر پایه موضوع، مخاطب و مکان را می‌توان تشخیص داد. به نظر می‌رسد در روایاتی که در هنگام معرفی آیات مکی و مدنی، به «موضوع و مخاطب» آیات توجه شده صحابه و تابعین به

دنبال ارائه تعریف مکی و مدنی نبوده‌اند بلکه خواسته‌اند از طریق در اختیار قرار دادن شاخص‌های محتوایی، مصادیق آیات و سور مکی و مدنی را به دیگران آموزش دهند. در روایاتی که صحابه و تابعین فهرستی از سور را با عنوان نازل شده در مکه و نازل شده در مدینه ارائه می‌دهند در واقع نگاه آن‌ها به مکان استقرار پیامبر (ص) بوده است و از این رو تنها دو دسته مکی و مدنی را در نظر گرفته‌اند و مشخص است مکان استقرار حضرت با هجرت تغییر کرده است؛ در واقع با این نگاه چه مکی و مدنی را بر اساس مکان تعریف کنیم و چه بر اساس زمان هیچ تفاوتی حاصل نمی‌شود.

صحابه و تابعین در داوری‌های خود در مورد آیات ملاک «زمان» را بر دو ملاک دیگر ترجیح داده‌اند و داوری‌های آن‌ها با تعریف زمانی از مکی و مدنی سازگار است.

۲- جستجو در سخنان مفسران و کسانی که (پیش از زرکشی) سور را به مکی و مدنی تقسیم کرده‌اند و یا سیاه‌های از سور مکی و مدنی ارائه داده‌اند به یافتن شش تعریف از مکی و مدنی می‌انجامد که همگی تعاریفی سامان‌یافته و کامل بوده و در آن‌ها زمان، ملاک تعریف مکی و مدنی قرار گرفته است. در این دوره هیچ تصریحی به وجود اختلاف در تعریف مکی و مدنی دیده نمی‌شود.

تعداد انگشت‌شماری از مفسران و قرآن‌پژوهان در این دوره در هنگام داوری «مکان» نزول را ملاک قرار داده و بر اساس تعریف مکانی داوری کرده‌اند.

۳- زرکشی برای نخستین بار، ادعای اختلاف مردم درباره اصطلاح مکی و مدنی را مطرح کرد؛ اما در تعاریف برجا مانده از قبل از زرکشی تنها تعریف بر اساس زمان و آن هم به شکل کاملاً سامان یافته به دست ما رسیده است و گویا دو گونه دیگر تعاریف (بر اساس مکان و مخاطب) را زرکشی بر اساس برخی داوری‌ها و قرائن، خود، سامان داده و مطرح کرده است و در نهایت تعریف بر پایه زمان را مشهور دانسته و بر دو تعریف دیگر نقد و اشکال وارد می‌کند.

احتمالاً زرکشی تعریف بر اساس مخاطب را با توجه به روایاتی که سور دارای «یا ایها الناس» را مکی و سور دارای «یا ایها الذین آمنوا» را مدنی معرفی می‌کنند سامان داده است. این نکته با درنگی در تعریف او نیز هویدا می‌شود؛ چه اینکه او بعد از ارائه تعریف بر اساس مخاطب به روایات مذکور استناد می‌کند.

عنوانی را که زرکشی برای این مبحث برگزیده، نیز تأمل برانگیز است: «معرفة المکی و المدني و ما نزل بمکة و المدينة و ترتیب ذلك». از کنار هم قرار گرفتن دو عبارت «معرفة المکی و المدني» و «ما نزل بمکة و المدينة» - که تداعی کننده تعریف مکانی است - چنین به نظر می‌رسد که زرکشی تضادی بین تعریف مشهور (تعریف زمانی) و عبارت «و ما نزل بمکة و المدينة» نمی‌بیند و این دو را مساوی و در یک راستا می‌داند.

۴- بررسی تعاریف پس از زرکشی نشان می‌دهد در این دوره نیز تعریف برگزیده، تعریف بر اساس «زمان» بوده و تنها یک مفسر تعریف بر اساس مکان را ترجیح داده است. اما در این دوره تعداد قابل توجهی از مفسرین در هنگام داوری، «مکان» نزول را ملاک داوری قرار داده‌اند.

۵- درباره تعریف بر اساس مکان و زمان باید بگوییم: حقیقت آن است که تعریف مکی و مدنی بر اساس زمان یا مکان چندان در مصادیق سور مکی و مدنی تأثیر نمی‌گذارد. زیرا اولاً بر اساس هر یک از این دو تعریف مسلماً هیچ کدام از آیات و سوری که قبل از هجرت نازل شده‌اند مدنی دانسته نمی‌شوند و ثانیاً هیچ کدام از آیات و سوری که بعد از هجرت در مکانی جز مکه نازل شده‌اند مکی دانسته نمی‌شوند. به عبارت دیگر تنها آیات و یا سوری که بر اساس ملاک زمان و مکان در مکی و مدنی بودن آنها اختلاف می‌افتد آیاتی هستند که بعد از هجرت در مکه نازل شده‌اند. این آیات نیز محدود و مشخص‌اند.

## منابع

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق اسعد محمد الطیب، چاپ سوم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفى الباز، ١٤١٩ هـ. ق.
- ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله بن عیسی، تفسیر (وهو مختصر تفسیر یحیی بن سلّام)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٤ هـ. ق.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف، تحقیق سعید اللحام، بیروت، دار الفکر، ١٤٠٩ هـ. ق.
- ابن إسحاق، محمد بن إسحاق، سیره ابن إسحاق، تحقیق محمد حمیدالله، بی جا، معهد الدراسات و الأبحاث للتعریف، بی تا.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تحقیق مؤسسه البعثه، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثه، ١٤١٧ ق.
- ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، تحقیق عبدالله خالدی، بیروت، شرکت دار الارقم بن ابی الارقم، ١٤١٦ هـ. ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الكتاب العربی، ١٤٢٢ هـ. ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، چاپ دوم، لبنان، دار المعرفه، بی تا.
- ابن حزم اندلسی، الناسخ والمنسوخ، تحقیق عبد الغفار سلیمان البنداری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤٠٦ هـ. ق.
- ابن حنبل، أحمد بن حنبل، العلل، تحقیق وصی الله بن محمود عباس، ریاض، دار الخانی، ١٤٠٨ هـ. ق.
- ابن ضریس، محمد بن ضریس، فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمکه و ما انزل بالمدينه، تحقیق غزوه بدیر، دمشق، دار الفکر، ١٤٠٨ هـ. ق.

ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس، سعد السعود، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۳.

ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن، بی تا، بی جا.

ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ه. ق.

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، غریب القرآن ابن قتیبه، بی جا، بی تا.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه و منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹ ه. ق.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، فهرست ابن الندیم، تحقیق رضا تجدد، بی جا، بی تا.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ه. ق.

ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین و محمد هادی معرفت، بیروت، دار المفید، ۱۴۲۰ ه. ق.

ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ه. ق.

ابوعبید، قاسم بن سلام، کتاب فضائل القرآن، تحقیق مروان العطیه و محسن خرابه و وفاء تقی الدین، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۱۹ ه. ق.

ابوعبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، تحقیق احمد فرید مزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ ه. ق.

- اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤٠٣ هـ. ق.
- اسفراينی، شاهفور بن طاهر، تاج التراجم في تفسير القرآن للاعاجم، تحقيق نجيب مايل هروي و علي اكبر الهی خراسانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ١٣٧٥ ش.
- امين، نصرت بیگم، مخزن العرفان در تفسير قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ١٣٦١.
- ألوسی، محمود، روح المعانی في تفسير القرآن العظيم، تحقيق علي عبدالباري عطية، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ هـ. ق.
- باقلانی، محمد بن طيب، الانتصار للقرآن، تحقيق: محمد عصام القضاة، بيروت، دار ابن حزم، عمان، دار الفتح، ١٤٢٢ هـ. ق.
- بغوی، حسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن، تحقيق عبدالرزاق المهدي، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٤٢٠ هـ. ق.
- بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن في تفسير القرآن، تحقيق واحد تحقيقات اسلامی بنیاد بعثت، قم، بنیاد بعثت، ١٤٢٠ هـ. ق.
- بيضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، تحقيق محمد عبد الرحمن المرعشلی، بيروت، دار احیاء التراث العربي، ١٤١٨ هـ. ق.
- بيهقی، احمد بن الحسين، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، تحقيق عبد المعطى قلعجی، بيروت و قاهره، دارالكتب العلمية و دار الريان للتراث، ١٤٠٧ هـ. ق.
- ترمذی، محمد بن عيسى بن سوره، سنن الترمذی، تحقيق عبد الرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٣ هـ. ق.
- تستری، سهل بن عبدالله، تفسير التستری، تحقيق محمد باسل عيون السود، بيروت، منشورات محمدعلي بیضون و دارالكتب العلمية، ١٤٢٣ هـ. ق.



تفرشی، مصطفی بن حسین، *تقد الرجال*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۸ ه. ق.

ثعلبی، احمد بن محمد، *الكشف و البيان عن تفسير القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ه. ق.

ثقفی تهرانی، محمد، *تفسیر روان جاوید*، چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ ه. ق.  
جرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الأذهان و جلاء الأحران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

جصاص، احمد بن علی، *احکام القرآن*، تحقیق محمد صادق قمحاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه. ق.

جعفری، یعقوب، کوثر، بی جا، بی تا.  
جعفری، آرتور، *مقدمتان فی علوم القرآن* (مقدمه المبانی فی النظم المعانی و مقدمه المحرر الوجیز)، قاره، ۱۹۵۴ م.

حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ه. ق.

حجتی، محمد باقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، هفدهم، ۱۳۸۲ ش.

حسنی، محمود بن محمد، *دقائق التأویل و حقائق التنزیل*، تحقیق جویا جهانبخش، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱ ش.

حسینی شیرازی، محمد، *تبیین القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۳ ه. ق.

حسینی شیرازی، محمد، *تقریب القرآن إلی الأذهان*، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ ه. ق.

حسینی همدانی، محمد حسین، *انوار درخشان تهران*، تحقیق محمد باقر بهبودی، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ه. ق.

- حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- خازن، علی بن محمد بغدادی، لباب التاویل فی معانی التنزیل، تحقیق محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١٥ هـ. ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١٧ هـ. ق.
- خطیب تبریزی، محمد بن عبد الله، الإكمال فی أسماء الرجال، تحقیق أبی أسد الله بن الحافظ محمد عبد الله، قم، مؤسسه أهل البيت علیهم السلام، بی تا.
- دانی، عثمان بن سعید، البیان فی عد آی القرآن، تحقیق غانم قدوری الحمد، کویت، مرکز المخطوطات والتراث، ١٤١٤ هـ. ق.
- دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، قاهره، دار إحياء الکتب العربیة، ١٣٨٣ هـ. ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، تحقیق حسین الأسد، بیروت، مؤسسة الرسالة، نهم، ١٤١٣ هـ. ق.
- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، چاپ چهارم، تهران، امیر کبیر، ١٣٧٩.
- زجاج، ابراهیم بن سری، معانی القرآن و اعرابه، تحقیق عبد الجلیل عبده شلیبی، قاهره، دار الحدیث، ١٤٢٤ هـ. ق.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، تفسیر الوسیط، دمشق، دار الفکر، ١٤٢٢ هـ. ق.
- زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، تحقیق احمد بن علی، قاهره، دارالحدیث، ١٤٢٢ هـ. ق.
- زركشى، محمد بن بهادر، البرهان، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار احياء الکتب العربیة، ١٣٧٦ هـ. ق.

- زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، چاپ سوم، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ه. ق.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ ه. ق.
- سلطان علیشاه، سلطان محمد بن حیدر، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ه. ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، *بحر العلوم*، بی جا، بی تا.
- سمعانی، منصور بن محمد، *تفسیر السمعانی*، تحقیق یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۸ ه. ق.
- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ ه. ق.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، *الإتقان فی علوم القرآن*، تحقیق سعید مندوب، لبنان، دار الفکر، ۱۴۱۶ ه. ق.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
- شبر، عبد الله، *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، کویت، مکتبة الألفین، ۱۴۰۷ ه. ق.
- شبر، عبد الله، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دارالبلاغة للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ ه. ق.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳.

- شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تحقیق حسین درگاهی، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۴۱۳ ه. ق.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ دوم، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، چاپ یازدهم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۹ م.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق محمد خواجوی، چاپ دوم، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۶ ش.
- صنعانی، عبد الرزاق بن همام، تفسیر القرآن، تحقیق مصطفی مسلم محمد، ریاض، مکتبة الرشد للنشر والتوزیع الرياض، ۱۴۱۰ ه. ق.
- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه. ق.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبد المجید السلفی، بی جا، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۶ ه. ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ه. ق.
- طبری، محمد بن جریر (منسوب)، تفسیر طبری، ترجمه جمعی از مترجمان، تحقیق حبیب یغمایی، تهران، چاپ دوم، انتشارات توس، ۱۳۵۶.

طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

عینی، محمود بن احمد، *عمدة القاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.  
 فتال نسابوری، محمد بن فتال، *روضۃ الواعظین*، قم، منشورات الشریف الرضی، بی تا.  
 فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ه. ق.

فراء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، تحقیق احمد یوسف نجاتی و محمدعلی نجار و عبدالفتاح اسماعیل شلبی، مصر، دارالمصریه للتألیف و الترجمة، بی تا.  
 فضل الله، محمدحسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ه. ق.

فؤاد سزگین، *تاریخ التراث العربی*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۱۲ ه. ق.  
 فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز*، قاهره، مجلس الاعلی لشؤون الاسلامیه، ۱۴۱۶ ه. ق.

قاسمی، محمد جمال الدین، *محاسن التأویل*، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ه. ق.

قرشی، علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.  
 قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.  
 قسطلانی، شهاب الدین، *لطائف الإشارات لغنون القرائات*، تحقیق عامر سید عثمان و عبدالصبور شاهین، قاهره، ۱۳۹۲ م.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر التمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم، دار  
الکتاب، ١٣٦٧.

کاشانی، فتح الله بن شکرالله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی  
محمد حسن علمی، ١٣٣٦.

کاشانی، فتح الله بن شکرالله، زیادة التفاسیر، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم، بنیاد معارف  
اسلامی، ١٤٢٣ هـ. ق.

کرمی حویزی، محمد، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، چاپخانه علمیه، ١٤٠٢ هـ. ق.  
متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت، مؤسسة  
الرسالة، ١٤٠٩ هـ. ق

مجاهد بن جبر، تفسیر مجاهد، تحقیق عبد الرحمن الطاهر بن محمد السورتی، پاکستان،  
مجمع البحوث الإسلامية، بی تا.

محاسبی، الحداد بن اسد، فهم القرآن و معانیه، تحقیق حسین القوتلی، چاپ دوم، بیروت،  
دارالکندی و دارالفکر، ١٣٩٨ هـ. ق.

محلی، محمد بن احمد و عبدالرحمن سیوطی، تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور  
للمطبوعات، ١٤١٦ هـ. ق.

مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.  
مظهری، محمد ثناءالله، التفسیر المظهری، تحقیق غلام نبی تونسلی، پاکستان، مکتبه رشدیہ،  
١٤١٢ هـ. ق

معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی،  
١٤١٦ هـ. ق

مغنیہ، محمد جواد، التفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت، بی تا.

- مقاتل بن سلیمان، تفسیر، تحقیق عبد الله محمود شحاته، بیروت، دار إحياء التراث، ۱۴۲۳ ق.
- مقریزی، احمد بن علی بن عبد القادر، إمتاع الأسماع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
- مهدوی راد، محمد علی، آفاق تفسیر، تهران، هستی نما، ۱۳۸۲.
- موسوی سبزواری، عبد الاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، موسسه اهل بیت (ع)، ۱۴۰۹ ه. ق.
- میبدی، احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و علة الأبرار، تحقیق علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱.
- خسروانی، علی رضا، تفسیر خسروی، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۰ ه. ق.
- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۸ ه. ق.
- نحاس، محمد بن أحمد بن إسماعیل، معانی القرآن الکریم، تحقیق محمد علی الصابونی، عربستان، جامعة أم القرى، ۱۴۰۹ ه. ق.
- نعیم بن حماد، کتاب الفتن، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق.
- نوی، محمد، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، تحقیق محمد امین الصناوی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ه. ق.
- نیشابوری، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
- هواری، هود بن محکم، تفسیر کتاب الله العزیز، تحقیق بالحاج بن سعید شریفی، بیروت، دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۰ م.

هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤٠٨ هـ. ق.  
واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب  
العلمیة، ١٤١١ هـ. ق.  
یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ١٣٩٩ هـ.  
ق.